

صفحة اول

جلد پنجم

شماره دهم

قیمت اشتراك

سپتمبر 8

PAGE 1

VOL V

Nº 10

سالی يك دالريم

ماه عزت شه

مجله دانش

۱۳۲۹

این مجله بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت ازادی در مسائل بیگانه گشایی و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و ترویج حقایق دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادب و است قبول و نشر خواهد کرد.

خطبات مبارک

تقلید از جریه کریستن کاسنولث "الصادق" ۱۰ سپتمبر ۱۹۱۱

بوالله

ایها الحاضرون : الی هذا البعوض والثبنا والی الخرج المقهری والی هذا الجهد والعی والی هذه الغفلة والثقاء والی هذا الظلم والاعتساف والی هذا البغض والاختلاف والی الخیة الجاهلیة والی التمسك بالأوهام الواهیة والی النزاع والجدل والی النزاع والکفاح والی العصب الجنسی والی العصب الوطنی والی العصب السیاسی والی العصب المذهبی الی یاز للذین آمنوا ان یجتمع قلوبهم کذکر الله هل ختم الله علی القلوب ام غشّت الأبصار غشاوة أعتسأ ولم تنبته القوس بأن الله قد فاضت فی صماته علی العموم خلق الکل بقدرته من ذق الکل برحمته ویرز الکل برزقینه لا یرز فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل یرز من یرز ؟

فلیتع البر الجلیل وصر النیاسة وصر المعاملة والفضل الجود وصر الجود والطبیان ولتم التام ذوی القلوب بالمال والاحتیاج ولتمزج استزاج الماء والرح ولتمزج اتحاد الارواح ولا تکاد ان نوسیسیاسة اعظم من سیاسة الله ولافتقد ان نجد شیاً یرزق الال انسان اعظم من فیضات الله وکلم اسوع حسنة فی البر الجلیل ولا یتذللون لعمه الله وھی الالفة التامة فهد السبیل

علیکم بامیاد الله بترك الاختلاف وتأسيس الائتلاف والحب

والانصاف والعدل وعدم الاعتساف ! ایها الحاضرون : قد فضلت القرون الأولى طوعاً وباطاً البغضاء والشحناء حیث اشترق هذا القرن بانوار سلطانه وفیضات کاسمه آیات باهره وآثار ظاهرة والایمان بکماله للظلام دافعة للالام داعية للائتلاف فامعه للاختلاف الا ان الابصار قد تیرت وان الاذان قد دعت وان العقول قد صارت ان الایمان الالهیة منبیهة علی الفصائل الانسانیة ومنها الالفة والوحد بین العموم والوحدة والائتلاف بین الجهد *

یا قوم ! الستم من سذلة واحدة الستم افاناً واوراقاً من دوحة واحدة الستم شموسین بلطفان عین الرحمانیة الستم مستفرقین فی عمار الرحمة من الحضرة الوصلانیة الستم عبید اللعین البانیة هل انتم فی ربیب ان الانبیاء کلهم من عند الله وان الشریح قد غفقت بکلمة الله وما یضرم الله الا للتعلیم وتربیت الالین وتثقیف عقول البشر والتدریج الی المعارج العالیة من الفلاح والنجاح ؟

وقد ثبت بالبرهان السالم ان الانبیاء اختارهم الله جمیع العالمین لیس نفیة لتسارین وکلهم دعوا الی الهدی وبنسکوا بالعمرة الوثقی حتی انعدوا الامم السالفة من حضیر الجهل والعی الی اوج الفضل والنهی فمن امن النظر فی حقیقة التایخ المنسنة کالاشفة لتعاقب الامم من العزوف الال

يتحقق عنده بأن موسى عليه السلام اقتدى بأسرته من الذل والهوان والأسر والخذلان وبأهم تأييد من شديد العقى حتى وصلهم إلى أوج الغرّة والعلو ومهد لهم السعادة الكبرى ومن الله عليهم بعد ما اتضعفوا في الأرض وجعلهم أئمة من ورثة الأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين فكان منهم علماء الرجال وأبناؤهم لهم السعادة والأقبال وهذا برهان ساحل مع وجوه على نبوة عليه السلام *

وإنما السبع المبدل كلمة الله وسبح الله المبدل بالأجل قد بعثه الله بين قوم ذلت قلوبهم وخضعت أعناقهم وخضعت أصواتهم لسطة الرومان فتخ فيهم روح الحياة وأحيام بعد الممات وجعلهم أئمة في الأرض خضعت لهم الرومان وخضعت لهم الرومان وطبق لأرضيتهم إلى هذا الأوان *

وإنما الرسول الكريم محمد المصطفى عليه الصلاة والسلام قد بعثه الله في وادٍ غير ذي شرب لا ياتيهم بين ظهرانيهم من قبائلهم وشعوبهم قارية واقوم ساوطة في حضيض الجهد والعمى لا يعلمون من دعاهما ولا يعلمون حرفاً من الكتاب كما يدركون فضلاً من الخطاب أقوام منشقة في بادية العرب يعيشون في صحراء من الرجال بلبن البياض وقيل من الخيل والأعاب فكان بعثه عليه السلام الأكنع الروح في الأجسام أو كما يقال سراج نير في حال من الظلام فتوزت تلك البادية السابعة المظلمة لماوية بتلك الأفكار الساطعة على الأجزاء فانتهض القوم من قد الضلال وتوزت ابصارهم بنور الهدى في تلك الأيام فانتعت عقولهم وانتعت نفوسهم وانتشرت صدورهم بتأييد ربهم سبقت عليهم بأبصار الأطلان وبهذا الفيض الجليل تدفقوا إلى أوج العظم حتى شاعت ودانت فضايلهم في الأفاق فاجمروا نحوها ساطعة لأشرف *

فانظروا إلى الأئمة الكاشفة للأسرار حتى تصفوا بأن ذلك الرجل الجليل كان مبدأ الفيض لذلك القوم الضليل وسراج الهدى قبائل خاضت في ظلام الهوى ووصلهم إلى أوج الغرّة والأقبال من حياة طيبة في الآخرة والأولى أما كانت هذه الفترة الباهرة المظلمة للعامة برهاناً كافياً على تلك النبوة الساطعة ؟ لعل الله أن

كل منصف من البشر يشهد بمبدأ القين أن هؤلاء الرجال كانوا اعلام الهدى بين الرعي وبيانات الأيمان الخافضة على صروح الجود في كل الجهات وتلك العصبة الجليلة التي فاشرت وانتضات فأضات وانتفاضت فأفاضت واقتبت للأفئدة من جيز ملكوت الأسرار وسطعت بأرواحها على عالم الأفكار ثم إن هذه النجوم الساطعة من انوار الحقيقة انتفعت واتحدت وانفتحت وبشرك كل سلف من خلف وهذا كل خلف نبت كل سلف فماكم انتم يا قوم تختلفون وتتجادلون وتتنازعون ؟ وكم اسوة حسنة في هذه المظاهر النبوية والمطالع التجانية ومهابط البري العصبية الربانية وصل بعد هذا البرهان يجوز الأتيان والتمسك بأحكامها من بيت العنكبوت وما خلق الله به من سلطان ؟

يا قوم : البدر البدر إلى الألفه عليكم بترك البينضاء عليكم بترك الشقاء عليكم بترك الجدل عليكم برفع الضلال عليكم بكشف الظلام عليكم بتحقيق الحقيقة في ما مضى من الأيام فاذا اتلفتم اغتتمم واذا اتلفتم اغتتمم عن سبيل الهدى وغضضتم النظر عن الحقيقة والتمسكم في جور الوهم والهوى ان هذا الضلالة مهلكة للرعي وإنما اذا اتحدتم واستزجتم وانتفتم سربكم شديد العقاب يصلح صلاح وحب وسلام وحياة طيبة غرة ابدية وسعادة سرمدية * والسلام على من تبع الهدى *

مختار : - ابن صرفي خطابه بالاصحاح من العالم ومجلام عبد البهاء كه ٣٥ ساليش القا فربودند وعضاير فرانس ولمان وامريكا وايران بودند واين بياناتك در السن تحلفه ترجمه شده وهمه شيندند ! * چه خدش بود اگر همه بموجب اين تعاليم عمل كنند وان قيود تعاليد بجات بايند آه بقول جوم آقا ميرزا يوسف خان كردسي " كوش نيست ؟ هزار كوش نيست و يك باهوش نيست " ! ! وبقول شاعر " فدا سمعت لربناوت حيا : ولكن لا حياة لمن نادى

خطاب مبارک

صورت خطاب حضرت مولی العالم علیه السلام در بیت مبارک در حین
مهمانی آقای میرزا علی اکبر نوری بعد از ظهر ۲۸ ماه جون ۱۹۱۹ *

در تمام ایام مبارک همیشه آنروز من این بود که روزی بیاید بلکه
انشاء الله بجهتی سفر کنم و بعد از خود در سبیل امر الله بیکار
مذیبه می نمایم لکن این جهت که مسئله سخن در میان بود جمیع
آن اوقات می گذشت زیرا قیامی وجود اینست که انسان
یک حرکت روحانی حاصل شود چنانچه باشد ساکن باشد
طائر باشد و جمیع کائنات سکون بیجات و حرکت بیجان
متفاوت است که حرکت مختلف است یک حرکت حرکت وجودی است
یک حرکت حرکت کیفی است یک حرکت حرکت کفایت یک حرکت حرکت
است یک حرکت حرکت روحانی است یک حرکت حرکت الهی است *

خلاصه حرکت سبب وجود است سکون سبب علت

این مدتی بسیار اندر و پشوره بودم از اینکه میدیدم مریدان و
خدمتگزاران منم که چون ملاحظه میکردید که مانع هست مانع هم
سجرات و آن هم در سبیل مبارک است لهذا تسلی خاطر حاصل شد تا
آنکه صعود واقع گردید شدت تأثر و تحسیر بدین وجهی بود که حرف
نیزان داد آن تأسف و تحسیر غالب بر جمیع احساسات بود دیگر من جان
والله فکر نگذاشت مدتی در این حالت تحسیر بودم بعد از آن اختلاف هم
شعله شد همه شما میدانید و این مانع شد بعد ملاحظه کردید که
امر الله در خطر عظیم افتاد است با وجود این خیال حرکت کردم ولی
حکومت مانع شد جمیع اعداء مجال مبارک از اطراف هجوم کردند صعود
مبارک را از برای خود نصیب و غنیمت دانستند و کمال قوت هجوم
کردند و در گوشه ای یک نفر از اعداء بود مسلح شد و بیاد و شمشیر جنگ
گذاشت علی الخصوص این بیانیها که همیشه در سوراخها غنی بودند
نه نامی نه نشانی نه صدای نه ندای انصورد مجال مبارک امیدوار
شدند که شاید در ایام مبارک خللی بیندازند بکمال قدرت قیام نمودند
علی الخصوص و آنکه خبر اختلاف رسید از طرفی هم حضرت علامه و مجتهدین
آنابین وقت اغتمت استه و بنای هجوم گذاشتند و از طرف دیگر
حکومت نیز بتعزیر پرداخت مسائل بسیار شکله در میان آمد مثل

مسئله بزرگه فی الحقیقه استخوان من استخوان واقع بکدامت هر
چند چیزی میگویم و انشاء الله عز و آلتم شب و روز آرام داشتیم
دیگر معلوم است که چه بگذشت همه این جوانان سبب شد که خیال حرکت
کردیم تا اینکه اعلان حرکت شد و بندوبست برخواست بعضی از آنکه
اعلان حرکت کردید در فکر اقدام که حالا وقت است هر چه با داد
بفته در حالتی که مریض بودم بدون اطلاع نفسی سرگشته شدم
بسم الله بجزایا و مریضها گفتند و فرمود *

حضرات آشنایان بیکانه در عین حال که جا شرفت دادند که من را
کردم و از جمعیت اتحاد و ترقی خوف کردم و معاذ الله خیانت نمودم
و نرسیدم فرار اختیار کردم سبحان الله در زمان عبد الحمید
امدادی عبد البهاء متصل بواع سینه شدند که من با حریت پروران
همدم هستم و با آنها مخبره دارم و ضد حکومت کابری کنم چون اعلان
حیث شد موضوع و محمول بکلی تغییر یافت بافتراوی دیگر پرداخته لهذا
لواع نوشتند که فلان در کاتبین منوید عبد الحمید مظلوم
و همچنین پادشاه ایران را مظلوم خطاب میکند و اجاب التشریح
و تحریص میفاید که پناه بروس و انگلیس ببرند *

سبحان الله عبد الحمید جمال مبارک است بیست و پنج سال حبس نمود
و من را در مدتی سلطنتش رجال مبارک و حق و در کتاب
نصیح فرموده اند که پادشاه ظالم است یا اینها القطة الرقعة
بین الیوم قد استقر علی کرسی الظلم فرموده اند و جمعیت قادیانی
سبب آنرا دعوی شده اند یا وجود این چگونه او را مظلوم گویم ؟
و انصاف اینست که حریت پروران سبب آن خواران نفر گشته
بباری از این قبیل مسائل بیان آمد من چون نیت این بود که
بلکه انشاء الله در آستان مقدس مجددی موفقم شوم باین لوح اعتنا
نمودم ختم با اروپا و آمریکا و در جمیع بلاد سفر نمودم و دعوت
و عنایت جمال مبارک در هر شهری بملکوت ابری ندا شد علم تبلیغ
گردید اعلان امر مبارک شد در معابد و کانس و صوامع و مجامع دیگر
جائی باقی گذاشته نشد و حال آنکه در نهایت ضعف بودم کن تا ایستاد
جمال مبارک میرسد با حالت ضعف در خانه بودم ولی چون در مجامع
و کانس حاضر میشدم توجه بملکوت ابری میکردم فوراً قیامات
الهی میرسد یک ساعت دو ساعت تمام با صحبت میکردم *

هر چند ماکلافة هتیم کنی پرتو جمال ببالک مثل شمع آتوزی بیاید
 حرفه که در پرتو آفتاب قدر جلوه کند و نمودار شود این نمودارها
 مثل نمودار کائنات است در پرتو آفتاب مقصود اینست که
 بدرجه بی عنایتیالک بود که وصف ندارد فتم ماقال :-
 ارباده فروش من * سرایه خوش من * وی از تو خوش من * منایم تو را
 گزندیم خواهر * در من نفسی بدم * من مرده صد ساله * تو جان مسیحا
 خلاصه انفاق تاید ببالک بود که تأثیر نمود قلوب را
 میکرد نفوس را مستبشر بشمارت الهی نمود انطیاق حرکت
 مذیوی بود الحمد لله و سرعه قلوب تجلی نشانده شد
 و بزرگی گشته گشت که الی الابد میرود نفوس ببالک گشته
 شدند و جنب گشتند و عبادت قیام نمودند تا آنکه در نهایت
 سرور روح مراجعتیستان مقدس شد الحمد لله اجاب الهی
 انجم جهات بزیاقت عنده مقصد آمدند و با آنها ملاقات
 و معاشرت گردید اثر رجوع نورانی آنها قلب با هفتاد و هفتاد
 حاصل شد که این نفوس در سبیل جمال ببالک جانفشاندند
 جزضای او ندارند فکری جز نشر نجات ننمایند باغ
 در نهایت اشتغال طواف مطاف اعلی نمودند و قبه
 مقدسه در مقام اعلی سربلستان نهادند و مراجعت
 بدیای خود نمودند امید دارم که از مراجعت آنها نایع عظیم
 و آن جلیل ظاهر گردد حال که شما میرید باید در همین قسم
 بقوه الهی و بیایت روحها و انجذابات و جدا مراجعت
 کند *

امیبالک است اجاب الهی باید ثابت و ثابت و ثابت و ثابت باشند
 معلوم است که من همیشه در خطر بوده و هتیم و گدشته
 انخطر من که همیشه در این عالم نیتیم بک روشی باید
 که آرزوی جبار رحمت کبر عینام اجاب الهی باید در نهایت
 اتقانت باشند ابد و نظر از اوقی نماید ترلز و حال
 نشود بلکه روز بروز ثباتان مفاوضان اتقانتان
 بیشتر شود شما ملاحظه کنید که بندگان حضرت مسیح
 هر کلام که از این عالم رفتند یا چون شهید شدند دیگر
 اعظم از آنها قیام بر خست نمودند قوه عظیم تر ظاهر گردید
 تا آنکه در نهایت اتقانت از ایشان نمود شما ها هم باید
 همیشه باشد و یقین بدانید که تأسیسات جمال ببالک سر

والله الذی لا اله الا هو اگر امروز شخصی از اضعف مخلوقا
 و هدمت حق پر داند تأییدات و توفیقات بر او انزهر
 احاطه نماید *

پایه و پناه جمال ببالک باشد مؤید و مؤقت باشد
 نجات قدس او ندهد باشد هر یک در سبیل او علم آسمانی
 باشد مقصد اینست که نگاه نکنید که نه هتیم نیتیم
 موجود یا منقودم مجتهدا میرید توجه جمال ببالک
 داشته باشید او شما را از هر نفسی غنی میکند از او مدد
 بطلبید و راه او ثابت باشد خادم او باشید پاسبان آستان
 او باشید بنده و نگاه او باشید مستمندان فیض او
 باشید مستشرقان او او باشید در صورت دعایت او محظوظ
 و مصون باشید مطمئن باشید " وَ تَقَرَّبُ مِنْ قَامِ عَلَى قَصْرٍ
 أُمِّي جِئُوا مِنَ الْمَدِينِ الْأَعْلَى وَ قَبِيلٍ مِنَ الْمَدِينِ الْغَرِيبِ
 اینست اسامی حقیقی *

چون من در اینجا بودم حضرت آشنایان بیگانه با همی
 اینها و این نعمت کوشیدند ایضا و پدید کردند یعنی با بعضی
 روابط خفیه و با بعضی روابط ظاهره بعد از ورود من
 با جمع شدند و مثل زمان عبد الحمید مغترباتی بودند و حال
 فرستاده اند بگمان اینکه اسباب میشود یا غیر میشود
 قتل یا فنی اینست خیال آنها *

مقصود اینست که اجاب الهی نباید نظرشان من باشد
 اینها را عظیم است امجمال ببالک است طرف من مش
 من بیاید و بدو باشد یا نباشد یکسان است اهمیت
 ملاحظه کنید عین آقا میرزا ابوالفضل را چه قدر
 که در هر موقعی و در هر موردی مؤید گردید و الله اعلم
 لا اله الا هو اگر سلطنت شرق و غرب باشد از برای انسان
 ذمه فائده ندارد جز خسران نیست کوناه الیزید شاه
 کو محمد شاه کو عبد الحمید کو یونان پارت کو علیوم
 نه اثری نه ثمری با وجود اینکه اینها ملوک بودند و در

قدر بودند عاقبتشان خستند چنان بود این را شهروا
سینیم پس بگوشید که در عبودیت شما مقدر است تقا
نمائیم اینست آن عزت ابدیه اینست نعمت سرمدیه اینست
سبب غایت وجود در ملکوتی اینست سبب ترقی و
این اوج فاشاهی * و حکیم البهار الاهی *

از انزلی

جناب آقایان از انزلی بجهای زاده اصنامان محقر سفر مانید
که الحمد لله در تمام این اطراف اعتلاء کلمت الله
هست و اجبای الهی در کمال اتحاد و اشتغال مشغول
تبلیغ امر الله الحق میطلبیم که کل را سرمد و مرفق
فریاد برضای خود *

اجتباب اخوت

از شیراز

بقلم جناب آقایان از انزلی بجهای تبلیغ علیه سلام الله
عزله

غیمبیاختر : امروز سرور اعظم حضرت مکنز
شیان منحصر باینست که اجبای الهی جمیعاً در کمال اتحاد
و اشتغال مشغول تبلیغ امر الله شوند *

از ونور

بقلم صاحب امضاء

جناب مدیر مجسم باختر : اکنون که فضل تابستان منقضی
و داخل فصل خریف میسریم منقضی میدانند که محلی از
ترقی امر الله در این قطعه غریب علی المصروف شهر ونور که باینست
ایالت کلور و دست [و امریکان] بخدمت ارسال دارم

الحمد لله از تأییدات حضرت بهار الله جل جلاله و تعالی
حضرت عبدالبهار روح ماسوا فداء این اوقات فرجه
امیه در ایران مانند دیابول و بعمت دوستان قطع
خالص در باوج و اسه شلا طوائف لورهای بریر احمدی
و منسی که همواره باغی و قطاع الطریق بودند و بتولاجال
شایخ مسک و مایه دارند در تابستان در اشجار
مرتفعه بزرگ لانه کرده و در درختان در مغار و شبانیا
سخت بواسطه صوب نجات مطهره امیه جماعتی
کثیر از ظلمت ضلالت بزهدهایت انسر گرفته اند همواره
مراد و امان با این عبد ناتوان است هر یک از آنان
که میاید بجهت حضرت بهار الله امیدوار می شود
و می رود آنان که در خط ایران مشی میکنند مطیع و ملت
و خیر خواه مملکت شده اند حیانت را تبدیل بامانت
کرده اند سراپا بجهت محض شده *

یا انزاله در این قطعه ارض با کمال شور و وله و فغان
و اشتغال در این موزع تعطیل اوقات عزیز خویش را مصرف
انتشار تعالیم حضرت جمال ببالک داشته و از اثر انقاس آنکه
شان نفوس بسیار دارند از خواب بیدار میشوند و بعض
اینکه اطلاع بتعالیم بیابند و لو تعلیلی فرستد که میکنند که
امر الله و سرود دردهای نهانیان است و بی اختیار
اقبال مینمایند الیوم مصداق "یدخلون فی دین الله
افواجاً" در این قطعه مثل سایر قطعات ارض ظاهر
و باهر است محلی که گردش دولت و اختلاف فصل چه
نستان و چه تابستان سرسوزنی از طراوت بهار الله
نمی گامد بلکه گوی تابستان سبب اشتغال با این است
و گردد و فصل خریف بر جمال دلجوی خریف میفرید و میاید
با این این سامان مسر بلزیک و مسر کلایک و مسر بلزیک
کوی سبقت از همگان بوده و اکثر اوقات بخوشی امصرف
امر میدارند *

در سایر بلوکات فارس اجبای الله در کمال فرح و
اینست مشغول با بقا ظاهرین این بند ناتوان
که قریب پانزده سال در دهات و قصبات و مدین مشغول
تبلیغ امر الله *

غیمبیاختر : قوت شمیر این نفوس که جناب تبلیغ
ذکر میفرماید تأثیر نکرده ولی از تعالیم این امر ببالک چنان
تأثیر شدند که فی الحقیقه خلقی جدیدی شدند *

بَهَائِيَانِ اَرْوِی

معموم بهائیان اروپا در نهایت تذکر و روح در میان هستند علی الخصوص در شهر استوت گارت آلمان قلوب در نهایت صناعات و ارواح مجذب بکرت الهی هر قدر در الحرفشان آن شرح بتقرید ایشان معتقد و متذکر تر و مطمن تر میشوند زیرا میدانند که عاقبت خود خواهند شد و تری الاضرب جنت الابهی ظاهر خواهد گشت حال جناب سزیری و مستر جویج که با هم از امریکا و کنترا دینش و میرزا غنیر الله خان از شرق در استوت هستند و بحسب امر باریک بتلیغ و تشویق و تشبیه قلوب مشغول و به نشر بیانات الهیه بیشتر هستند چو در هر چه وقت در آن صناعات عنایتی است کبری از پروردگارت

جَنكُ دُنْيَا

تا دو ماه پیش اهالی اروپا در نهایت خوفی بکار خود مشغول بودند حال بواسطه این جنگ اعظم هست اجتماعیه شان بکل منقلب شده در میدان حرب فقط قاتل و مقتول و جراح و مجروح دیده میشود و در خانه ها هزاران از اطفال بیچارگان در گهواره خود ناخوش و از بی اعتنائی مادران پریشان و حال ناتوان دارند میگردند زیرا اکثر حکما و بیستارگان مرخص به میدان حرب رفتند تا بفیاد پدران خود این اطفال برسند زمینهای سبز قبرستان شده و خون مانند آنها جار عاست . راه های آهن که همیشه نفوس و اسباب و خوراک و مایه نفع الناس نقل میکردند امروز فقط باستان عسکر و ادوات مهلکه و مجروحین گشته کشتیهای تجاری اساطیل جنگ شده و بیابان گریها به صید مواد دنیائیت که دولت تجار بهر امر برای غرق کردن کشتیهای همدیگر در دنیا پنهان نموده مشغولند *

رُوزِ عَزَائِدِ اَمْرِیْكَا

دولت و ملت امریکا جمعا بصلح عمومی مایل بلکه عا هستند و مستر و دُف و یلئون رئیس جمهوری خواهش کرده که جمیع اهالی بدون استثنا باید در يك روز مخصوص دعا و تضرع نمایند که انوار شمس صلح و سلام به آفاق مظلمه بمالك متحابر برزودى بتابد و آن "روز فائز" چهارم ماه اکتوبر معین کردند و بهائیان امریک پیش از وقت شروع بمناجات و تلاوت آیات نموده اند و الآن هر فردی از افراد اجبارا و فساد کبرا و صغیر آیه کریمه

عدد نفوس متحابر به ۱۷۹۰۰۰۰۰ رسیده است

المآن	۵,۰۰۰,۰۰۰	پنج میلیون
روس	۵,۰۰۰,۰۰۰	پنج میلیون
فرانسه	۴,۰۰۰,۰۰۰	چهار میلیون
نمسه	۲,۵۰۰,۰۰۰	دو میلیون و نیم
انگلیس	۱,۰۰۰,۰۰۰	یک میلیون
بلجیک	۴۰۰,۰۰۰	چهار صد هزار
المجموع	۱۷۹,۰۰۰,۰۰۰	صده میلیون و نیمه

كُلِّ مِنْ مَنُفِّحٍ غَيْرِ اللَّهِ قَلْبِجَانِ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ
 كُلِّ عِبَادَةٍ وَكُلِّ بِأَمْرِ قَائِمُونَ
 روزی ۱۹ دفعه بکمال تضرع و بتل مجوزند . البته دوستان الهی چه در شرق و چه در غرب بکمال صلح نه فقط در لسان بل در فکر و در قلب مکن دادند *

مصرفه یومیه این همه نفوس زیاد است چند میلیون دلار و از برای کشتن هر يك نفر باید سه هزاره و شش صد و هفتاد و هفت دلار خرج کنند
 " قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرُ " *